

دکتر رامین یلفانی
استادیار گروه تاریخ
دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری
ملیحه مهرابی دلشاد
دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ
rayalfani@yahoo.com

بررسی موقوفات حضرت عبد العظیم الحسنی^(ع) در دوره صفویان

چکیده:

وقف در سنت اسلامی امری پسندیده و نیکو بوده که بواسطه آن بسیاری از کارهای عام المنفعه در جامعه تداوم و حیات یافته است.

شاهان عصر صفویه که تشیع را مذهب رسمی ایران نمودند توجه به امور موقوفه را نیز تقویت می کردند و املاک و اموال زیادی را به اماکن مورد احترام مانند آستان مبارکه امام رضا^(ع) در مشهد و آستان مقدس حضرت معصومه در قم و آستان مقدس حضرت عبد العظیم الحسنی^(ع) در شهرری و نیز در اردبیل که آرامگاه شیخ صفی الدین اردبیلی در آن است وقف کردند.

بدین ترتیب خاندان صفوی در طول ایران به عنوان پرچمدار وقف شناخته شده آنان خود نظارت عالی بر آنها را بر عهده داشتند. قرن دهم و یازدهم هجری، دوران شکوفایی و توسعه موقوفات بوده است.

بارگاه عبد العظیم^(ع) و وجود شیعیان در اطراف بارگاهایشان و توجه خاص شیعیان به آن حضرت منتهی به این شد که هر کسی با توجه به وسعت مالی که داشت چیزهایی را برای خرج و دخل حرم وقف می کرد و این سنت هم تا به امروز هم پابرجاست و آبادانی حرم را تا به امروز باعث شده است. پادشاهان صفوی املاک و اموال سیاسی بسیاری را وقف آستان مقدس عبد العظیم الحسنی^(ع) کردند اما در حال حاضر در مجموع املاک و اموال موقوفه از آن دوران ۸ رقبه باقی است که عبارتند از: علائین، الیمان، ده خیر، سینک، هوسنه، خلایزیر، مافتون و خورائین.

کلیدواژه‌ها: وقف، موقوفات، عبد العظیم^(ع)، رقبه، صفوی

مقدمه:

وقف در جهان اسلام و همزمان با رسالت پیامبر گرامی اسلام تحقق پیدا نمود و بعد از حضرت علی^(ع) با عمران و آبادی اراضی بایر و حفر چاه و ایجاد نخلستان، تمامی ثمرات و منافع این اراضی را تحت عنوان وقف برای استفاده افراد مستمند قرار دادند و این روش و سیره پسندیده از طرف ائمه شیعه و صحابه مؤمنین، علماء، صالحین و افراد خیر و نیکوکار ادامه یافت.

حکومت صفویه در سال ۹۰۶ ه. ق با سلطنت شاه اسماعیل آغاز شد. در دوران صفوی وقف، رونق و رواج فراوانی یافت و علاوه بر مردم عادی و متمولین، شاهان صفوی نیز اموال فراوانی را به جرگه موقوفات افزودند.

شاه عباس صفوی که خود را مرید آستان اهل بیت (علیهم السلام) می‌دانست در سال ۱۰۱۷ ه. ق جمیع املاک شخصی خویش را به نام چهارده معصوم وقف کرد و تولیت موقوفات را خود بر عهده گرفت، وی پس از خود نیز سلطان وقت را به عنوان متولی موقوفات تعیین کرد.

عموم مردم نیز به وقف گرایش بیشتری یافته بودند. شاید بتوان گفت موقوفاتی که در زمان شاه عباس اول ایجاد شد از تمام ادوار دیگر بیشتر بود. موقوفات آستان مقدس حضرت عبد العظیم^(ع) توسط شاه عباس اول از طریق وقف نامه‌هایی که موجود است هنوز باقی است. در دوره صفویه اداره امور اوقاف نیز نظم و نسق بهتری پیدا کرد و تحت نظر علمای شیعه قرار گرفت و دیوانی تحت عنوان دیوان موقوفات به وجود آمد که توسط کارکنان این دیوان درآمدهای حاصل از وقفیات جمع‌آوری و به حساب‌ها رسیدگی می‌شد. اگر واقف برای موقوفه متولی تعیین نکرده بود، وظیفه تعیین متولی بر عهده صدر و دیوان مزبور بود همچنین رسیدگی به امور مدرسین، پیشنمازان، ناظران، مؤذنان و در نهایت تمامی مشاغلی که به نوعی به موقوفات مربوط می‌شدند، با این دیوان بود.

در این دوره مأموران اوقاف، مستوفی نامیده می‌شدند و در رأس ایشان، «صدر» یا «صدر الصدور» قرار داشت که از نفوذ زیادی برخوردار بود و همین امر، از نابسامانی و هرج و مرج در امر اوقاف جلوگیری می‌کرد.

در این مقاله سعی شده است که موقوفات آستان مقدس حضرت عبد العظیم الحسنی (ع) را در دوره صفویان با در نظر گرفتن موقعیت جغرافیایی موقوفات، معرفی واقف و متولی آن نیز بررسی گردد.

قسمت اعظم موقوفات آستان مقدس حضرت عبد العظیم (ع) قبل از صفویان با حمله مغولان و خرابی‌های دهشناک آن‌ها در ری بسیاری از موقوفات از بین رفته و بسیاری از موقوفات آستان مقدس بعد از صفویان به دلایل تجاوز نادرشاه به موقوفات، هرج و مرج ایجاد شده پس از قتل نادر، واگذاری رقبات به شاهزادگان و درباریان و حتی سفرای خارجی و برخی سیاستهای دوران پهلوی اول و دوم از میان رفته است.

در دوره صفویان در زمان شاه طهماسب اول ۲۰ فقره از وقفنامه‌ها و اسناد آستان مقدس حضرت عبد العظیم (ع) باقی مانده که سعی شده در این مقاله از آن‌ها استفاده شود و همچنین شاه عباس اول صفوی نیز موقوفات بسیاری را وقف آستان مقدس نموده که در این مقاله آورده شده است.

منابعی که در این مقاله مورد استفاده قرار گرفته شده است عبارتند از اسناد و وقفنامه‌ها - کتب مربوط به وقف در دوره صفویان و نشریات مربوط به موقوفات آستان مقدس حضرت عبد العظیم (ع).

ساختار نهاد وقف در عصر صفوی

یکی از نهادهای استوار در این دوره که احتیاج به رسیدگی و مراقبت داشت، نهاد وقف بود. شاه اسماعیل اول از ابتدای کار به این امر توجه داشت، چنان که هم زمان با تعیین مناصب مهمی چون «وکالت نفس نفیس» «امیر الامرای» و منصب «وزارت دیوان اعلی» شخصی را نیز به منصب صدارت برگزید^۱، صاحب این منصب عالیترین مقام در رسیدگی به امور اوقافی بود و تا پایان این سلسله نیز این مقام کم و بیش بر اوقاف نظارت داشت.

به طور کلی می‌توان گفت که شاهان صفوی دقت بسیاری در انتخاب مقام صدر داشتند و نیز غالباً اصرار داشتند که صاحب این مقام از سادات باشد این دقت حاکی از اهمیت بسیاری است که برای این منصب قائل بودند.

قابل ذکر است که تنها وظیفه مقام صدر - به ویژه در دوره اول حکومت صفویان - رسیدگی به امور اوقاف نبود بلکه ترویج دین را نیز باید از وظایف او شمرد، و حتی شاید

بتوان گفت که چنین مقامی با در دست داشتن منابع مالی بسیار بیش از هر کس دیگر توان ترویج دین و همچنین مبارزه با منکرات را داشته است. حسن بیک روملو در مورد یکی از صدور به نام امیر معزالدین محمد اصفهانی می‌گوید که وی در طی هشت سالی که این منصب را بر عهده داشت سعی بسیاری در ترویج دین و مبارزه با منکرات کرد.^۲

مقام صدر علاوه بر رسیدگی به اوقاف و وظایف دیگری نیز بر عهده داشته است، اگر چه بسیاری از این وظایف خود به نوعی با اوقاف مربوط می‌شوند ولی پاره‌ای از آن‌ها را می‌توان تا حدی جدا از امور اوقاف دانست.^۳

همچنین باید در نظر گرفت که صدر به تنهایی قادر به اداره سازمان گسترده اوقاف که روز به روز در دوره صفویان وسیع‌تر می‌شد نداشت و برای این کار نیازمند همکاری بود تا او را یاری دهند و در واقع شغل اصلی وی نظارت بر کار زیر دستانی بود که هر یک در این سلسله مراتب نقشی را بر عهده داشتند.

اسامی برخی از زیر دستان مقام صدر در منابع ذکر شده است. میرزا سمیعا تعیین «مباشران اوقاف تفویضی»، «متولیان»، «وزرای اوقاف»، «نظارت»، «مستوفیان»، و «سایر عمده سرکار موقوفات» را از وظایف شخصی صدر می‌داند.^۴ با کمک این افراد بود که صدر می‌توانست بر کل موقوفات کشور نظارت داشته باشد، البته همیشه نظارت صدر و کارگزارانش مورد رضایت واقفان نبود و آنان سعی می‌کردند به هر نحو ممکن از دخالت‌های او و سایر عمال موقوفات جلوگیری کنند. از این رو در بسیاری از وقفنامه‌ها واقف در جزو شروط خود قید کرده است که «صدور عظام»، «مستوفیان»، «عمال»، و «مباشران» موقوفات در موقوفه مورد نظر مدخل نسازند و حساب از متولی نطلبند.

بر اساس منابع، در ابتدا مقام صدر مختص یک نفر نبود، اما در دوره‌هایی گاه این مقام میان دو نفر تقسیم شده.^۵ صدر رسماً به دو شاخه صدر خاصه و صدر عامه تقسیم شده است که هر یک از آنان وظایف جداگانه‌ای داشتند و تنها در بعضی امور با هم مشارکت می‌کردند.^۶ دیوانی تأسیس شده بود که کار آن رسیدگی به امور موقوفات بود نام این دیوان دفترخانه موقوفات ضبط شده است.^۷ توسط کارکنان این دیوان درآمدهای حاصل از وقفیات جمع‌آوری و به حساب‌ها رسیدگی می‌شد. اگر واقف برای موقوفه متولی تعیین نکرده بود، وظیفه تعیین متولی بر عهده صدر و دیوان مزبور بود. همچنین رسیدگی به امور مدرسین، پیشنمازان،

ناظران، مؤذنان و در نهایت تمامی مشاغلی که به نوعی به موقوفات مربوط می‌شدند، با این دیوان بود.

نهاد وقف در جامعه به حدی با اهمیت بود که کمپفر، «شناخت درست وضع دربار ایران» را به شناخت آن موکول کرده است.^۸ به ویژه که وی وقف اموال را در ایران رقابت میان بزرگان و اشراف دانسته است.^۹

شاهان صفوی علاوه بر وقف اموال خود، از جمله پادشاهانی بودند که مبالغ هنگفتی را صرف بازسازی و تزئینات اماکن مذهبی نمودند.

موقوفات آستان در عصر صفویان

امروزه در خصوص موقوفات آستان، بیست فقره فرمان ووقفنامه موجود است که قدیمی‌ترین آن‌ها به امضای شاه طهماسب اول صفوی رسیده و صورت و مشخصات کامل موقوفات آن عصر در آن فرمان آمده است این موقوفات عبارتند از:

مزرعه آیرین در ۲۵ کیلومتری جنوب تهران به «آیرین چیچکلو» واقع است. این مزرعه که در بلوک غار شرقی ری واقع بوده، یک چهارم از آن را سید شرف الدین (متولی آستان در عصر طغرل سلجوقی) وقف کرده و تولیت آن را برای خود قرار داده و سه چهارم دیگر آن را کیا ابوالقاسم بن کیا جمال الدین تهرانی از حاکمان و سادات آل کیا در مازندران و ری وقف کرده است. او نیز تولیت آن را به سید شرف الدین واگذار کرده است.^{۱۰}

از دوران زندگانی و شرح حالات واقف آن، سید شرف الدین حسین که از بزرگان خطه ری بوده و رقبات بسیاری از املاک شخصی خود را وقف آستانه ری متبرکه‌ی حضرت عبدالعظیم^(ع) کرده اطلاعی در دست نیست.

اما ابوالقاسم بن کیا جمال الدین تهرانی از محتشمین قرن هشتم هجری قمری ری بوده است.^{۱۱}

مزرعه سید عبدالله ابیض در محل امامزاده عبدالله در قسمت جنوبی آستان در شهری واقع است که نصف آن را امیر غیاث الدین محمود نور کمال وقف کرده و تولیت آن را به امیر سید خلیل الله و امیر سید عنایت‌الله از متولیان آستان در عصر صفوی داده است. این موقوفه پس از آن‌ها به اولاد و فرزندان ذکور نسل به نسل منتقل می‌گردد. واقف یک سوم آن را برای تصرف متولیان و باقی را برای مصرف فقرا، مستمندان و زائران اختصاص داده است.^{۱۲}

واقف ۳ دانگ مزرعه سید عبدالله ابیض (میرغیاث‌الدین محمود میرکمال یکی از امراء قرن نهم هجریست، پدرش میرکمال، هنگام یورش تیمور به مازندران والی و فرمانروای ساری بود مدت کوتاهی در مقابل تیمور مقاومت کرد ولی چاره‌ای جز تسلیم ندید. روز دوشنبه بیستم شوال ۷۹۴ سید برکه او را همراه با پیشکش و نثار به خدمت تیمور آورد و مورد ملاحظت قرار گرفت. هنگامی که تیمور در فیروزکوه قرار داشت فرزندش میرغیاث‌الدین همراه با سپاهیانی به خدمت او فرستاد و تیمور متقابلاً پس از غلبه بر اسکندر شیخی از ملوک بنی افراسیاب مازندران، به سال ۸۰۶ هجری آمل را به میرغیاث‌الدین بخشید.

میرغیاث‌الدین عمری طولانی بین ۸۰ و ۹۰ سال داشته و این رقبه را در اواخر قرن نهم وقف کرده است.^{۱۳}

مزرعه عین‌آباد در شرق ری واقع شده است امروزه از این دهستان وسیع تنها دهکده‌ای به نام «بهنام سوخته» باقی است. این مزرعه را پیرعلی نامی وقف کامل (شش دانگ) آستان کرده و تولیت آن را به سیدعلی شاه فرزند سیدشرف‌الدین حسین از متولیان آستان در قبل از صفویه سپرده است. خمس درآمد‌های دایر شده این مزرعه بابت حق التولیه به متولی و باقی آن پس از خرج قنات‌ها و مسائل زراعتی در آستان به مصرف فقرا و مستمندان می‌رسیده و مجموع شصت ده از جمله ورامین را شامل شده است.^{۱۴}

مزرعه سینک و ده واریز از توابع شهریار است که امروزه به «وارش» معروف و هر شش دانگ آن وقف آستان گشته است. این موقوفه به علت قرار گرفتن در محدوده شهری و امکان استفاده از اراضی در بخش‌های مسکونی و تجاری و صنعتی و همچنین باغ نمونه کوثر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

مزرعه مافتان امروزه مافتون خوانده می‌شود و جزء بلوک غار شرقی است و در مجاورت کهریزک قرار دارد. در سنوات اخیر به علت احداث پالایشگاه و بهشت زهرا در مجاورت آن، به شهر متصل گردیده است.

نصف این مزرعه را فرزند امیرقبا و نصف دیگر امیر فولما رقباییک وقف آستان کرده‌اند. هر دو نفر تولیت آن را به سیدعلی شاه فرزند سیدشرف‌الدین حسین از متولیان آستان در عصر قبل از صفوی واگذار کرده‌اند.^{۱۵}

واقف نصف این مزرعه به نام امیر فولما رقباییک (امیر پولاد قیا) شخص اول و فرمانده سپاهیان ری بوده و قطعاً سنی در حدود پنجاه سال داشته که در این صورت تاریخ تولد او را باید در اوائل دهه دوم قرن هشتم هجری تصور کرد. به سال ۷۸۶ یعنی سی سال پس از حمله جلال الدوله به ری، فرستادگان تیمور او وظایفه‌اش را از حوالی ری به محلی نامعلوم کوچ داده‌اند، در اواخر عمر در حدود ۸۰ سال از سن او می‌گذشته است. وی در قرن هشتم هجری می‌زیسته است.^{۱۶}

مزرعه استرووه از بلوک «سیور قرچ» است که نواب خلیفه شاه قلی (مهرداد) بر آستان وقف کرده و تولیت آن را به سیدخلیل‌الله و سیدعنایت‌الله از متولیان عصر صفوی داده است که پس از آن به اختلافشان منتقل می‌گردد. این مزرعه بین خوار و دماوند قرار داشته و از بزرگ‌ترین دهستانهای ری با ۹۰ ده بوده است. امروزه فقط نام «ایوان کیف» از آن باقی مانده و استرووه نیز وجود ندارد.^{۱۷}

واقف آن خلیفه شاه‌قلی مهرداد از طایفه‌ی ذوالقدر و از سران سپاه و محارم شاه طهماسب اول بود. سال ۹۳۵ که شاه برای بار دیگر به زیارت حضرت عبدالعظیم (ع) آمد، او نیز همراه بود. سال ۹۶۵ که به مأموریتی نظامی به سوی استرآباد رفته بود، در اثناء راه به مرض قولنج درگذشت. به نظر می‌رسد که وقف مزرعه استرووه در همان حدود سال ۹۳۵ ه. ق صورت گرفته باشد.^{۱۸}

مزرعه علائین یکی از مهم‌ترین مزارع و موقوفات حضرتی که از کهن‌ترین آبادی‌های ری بوده و در ازمینه‌ی باستانی سورین نامیده شده است. این مزرعه را نهر چشمه علی که آن نیز نهر سورنی خوانده می‌شد؛ آبیاری می‌کند. قلعه گبری معروف در اراضی آن قرار دارد، در زمان مهدی عباسی که شهر به سمت جنوب شرقی توسعه یافت قسمت مرکزی آن موسوم به «المحمدیه» شد ولی پس از خرابی ری دوباره به صورت مزرعه در آمد. به مزار مسموع، اراضی آن را که فعلاً جزو امروزی شهر شده، آستانه به ساختمان‌های مسکونی کارکنان خود اختصاص داده است.^{۱۹}

واقف آن در فرمان شاه طهماسب، سیدشرف‌الدین حسین متولی آستان در عصر سلجوقی است که بر اساس وقفنامه‌ی تولیت را به فرزندانش سپرده است. وقفیت این مزرعه شش دانگ کامل بوده که در فرمان به آن اشاره شده است. پس از مدتی سه دانگ از آن به تصرف

غیر در آمده که شخصی به نام «سلطان بنت علی» پس از اثبات وقفیت تولیتش را به فرزندان سید شرف‌الدین برگرداند. آنان باید دو سوم درآمد آن را خرج آستان از قبیل اجرت خادمان، حفاظ و مؤذن کرده و یک سوم عواید را به عنوان حق التولیه برای خود مصرف کنند.^{۲۰}

در دهه‌های بعد بازماندگان تولیت قبلی یک دانگ را از شش دانگ وقفی خارج و به نام خود ثبت کردند و به ملکیت دیگران در آوردند.^{۲۱}

مزرعه «آبه غار» ده خیر جزو بلوک غار شرقی و یکی از معتبرترین موقوفات آستانه است که هنوز در تصرف وقف باقی است. در جنوب شرقی شهرری و در اراضی ری باستان واقع شده که آثاری از عهد ساسانیان به نام تپه میل در جنوب آن قرار دارد. اراضی این دهکده اکنون به شهرری متصل می‌باشد. دو دانگ این مزرعه را سیدشرف‌الدین حسین متولی در عصر سلجوقی وقف کرده که دو سوم محصول آن باید صرف ضروریات آستان شود. واقف تولیت آن را به اولاد ذکور خود سپرده است.^{۲۲}

مزرعه مبارک‌آباد «خیرآباد» موضعی است که امروز شامل بقعه متبرکه و بیوتات آستانه و صحن‌ها و باغچه‌ها است. خیرآباد دیگری هم متصل به شهر در سه راه قدیم قم وجود داشت. این مزرعه از ابتدا شامل تاکستان‌ها و باغ‌های میوه و سبزی بوده و هنوز باقی مانده است. مزرعه مبارک‌آباد جزو بلوک غار طغرل سلجوقی وقف کرده که از آن پس به خیرآباد تغییر نام داده است.^{۲۳}

مزارع چهارهزار (چاله هرز)، بالغ‌آباد، زرگنده و اسکله در اسناد فرامین همه جا با هم نام برده‌اند، معلوم است که به یکدیگر متصل بوده‌اند و در شمیران واقع بوده است. این مزارع از موقوفات عصر صفوی هستند ولی نام واقف و تاریخ وقف روشن نشده است.^{۲۴}

مزرعه خوراذیل «خورازیر» در بلوک غار در جنوب غربی تهران^{۲۵}، بعد از نعمت‌آباد (سه راه ساوه امروز) قرار دارد و شامل زمین‌های اطراف، قنات‌ها و باغ‌هاست.

از جمله موقوفات آستان از سوی زینب‌بیگم دختر شاه طهماسب صفوی است که وقفنامه‌ای برای آن در ذیقعد ۹۹۷ هجری، قمری امضاء و مهر کرده است بر اساس این وقفنامه، سه دانگ و ربع مشاع از آن مزرعه به آستان وقف شده و تولیت آن به امیرمجدالدین بن امیرابراهیم حسنی و اولاد او نسل در نسل واگذار شده است.^{۲۶}

زینب سلطان بیگم (واقف مزرعه خورازیر) فرزند چهارم شاه طهماسب اول بود و مادرش حوری خانم گرجی نام داشت. در زمان شاه اسماعیل دوم، به عقد علیقلی خان نواده دور میش خان حاکم هرات درآمد ولی به تصرف او در نیامد. در زمان پدرش بانوی حرم شاه و بسیار خیر و رحیم و با همت بود.

وی در تاریخ سه شنبه نهم صفر ۱۰۵۰ هجری - قمری درگذشت و در آستانه مقدس حضرت رضوی مدفون شده است.^{۲۷}

باغچه‌ای در «وسفنارد» که در جنوب غربی تهران است. این قطعه باغچه در قریه «وسفنارد» از بلوک غارری توسط نواب حسین خان سلطان روملو وقف آستان بوده و تولیت آن را به دو سیدین (سیدخلیل الله و سیدعنایت الله) واگذار گردیده بود. به دستور وی ثلث آن مخصوص متولیان (سیدین) شده و تتمه آن را صرف ضروریات آستان منوره کرده‌اند.^{۲۸}

واقف آن حسین خان روملو از سران سپاه شاه طهماسب بود او در سال ۹۵۴ که القاص میرزا پسر یاغی شاه به کمک عثمانی‌ها به ایران لشکر کشید و شاه برای مقابله با او از تبریز حرکت کرد و چند تن از سرداران سپاه خود را برای ضبط مرند فرستاد یکی از آنان بود.^{۲۹}

مزرعه بند کردان، شهریار در مجاورت شهر کرج و در سمت غرب آن قرار دارد. این مزرعه را فولاد قبا وقف و تولیت آن را به سیدشرف‌الدین سپرده است.^{۳۰}

مزرعه شرقی «چشمه شاهی» از دهات غار غربی و در شمال ده اندرمان واقع شده است.

این مزرعه به «شاهی» نیز معروف بوده که آن را سیدشرف‌الدین حسین وقف کرده است.^{۳۱} مزرعه هوسنه بهنام از معدود رقباتی است که از دهستان بهنام باقی مانده است. سه دانگ از این مزرعه که در دهستان بهنام است، از موقوفات سیدشرف‌الدین بوده است و تولیت آن را به اولاد ذکور خود داده که بعد از وضع حق التولیه که مشروح شده، مابقی را صرف ضروریات آستانه مقدسه کرده است.^{۳۲}

مزرعه ایلمان به جلال‌آباد نیز معروف است که در غاری قرار دارد و غازی خان تکلو از سران طایفه تکلو در عصر صفوی آن را وقف نموده و تولیت آن را به امیرعنایت‌الله و امیرخلیل‌الله و اگذار کرده است.^{۳۳}

واقف آن غازی خان تکلو پسر چرکین حسن تکلو بود که در خان شاه طهماسب به منصب امارت رسید و غازی خان ملقب گشته و به للگی بهرام میرزا فرزند شاه مفتخر شد. از

او به عنوان امیری سفاک و غارتگر زشت‌سیرت نام برده‌اند. سال ۹۴۶ یا ۹۴۷ به للگی القاص میرزا پسر دیگر شاه که بعدها یاغی شد و به عثمانی پناه برد رسید. از آنجا که شاه به او ظنین بود و گهگاه مخالفت‌هایی از او به ظهور می‌رسید، در ماه رجب سال ۹۵۰ در شهبان به قتل رسید.^{۳۴}

مزرعه دز در متون از دز نام برده نشده ولی در جنوب ری آبادی وسیعی به نام دز وجود داشته که اولین منزل پس از ری به سوی قم بوده و چون این منطقه جزو بلوک غار غربی به شمار می‌رفته بعید نیست که این موضع همان مزرعه دز بوده باشد و سیدشرف‌الدین حسین آن را دایر و دو دانگ مزرعه را وقف آستان کرده است. و تولیت آن را بعد از خود برای اولاد ذکور گذارده است.^{۳۵}

مزرعه بی‌بی مریمدر بلوک غار شرقی، که یازده کیلومتر با شهری فاصله دارد واقع و از شش دانگ، یک سوم را امیر قباد وقف کرده که می‌بایست تا دو سوم آن به مستحقان و در راه ماندگان برسد.^{۳۶}

مزرعه جلال آباد حدوداً در غار ری بوده ولی موقعیت آن دقیقاً روشن نیست، یک سوم آن را غازی خان تکلو از سرداران صفوی وقف کرده و تکلیف باقی آن روشن نیست.^{۳۷} قریه عماد آور و بهشتی جزو قراء غار شرقی است. متصل به حدود جنوبی شهری قرار دارد. به عنوان سیورغال وقف آستان بوده است.^{۳۸}

قریه نعمت‌آباد در پنج، شش کیلومتر جنوب غربی تهران، سر راه ساوه قرار دارد، اکنون به شهر تهران متصل است. نام این موقوفه، تنها در فرمان اشرف افغان و بدون هیچ توصیفی آمده است.

مزرعه محمودآباد (شهریار) در فرهنگ آبادیهای کشور به عنوان محمودآباد خالصه نام برده است و همسایگی و همبستگی این قریه با سینک و واریز می‌باشد. نام واقف و تاریخ وقف مشخص نشده است. در دوره صفویه به عنوان سیورغال وقف آستان بوده است.^{۳۹}

دکاکین وقفی میرنظام‌الدین علیشاه دوم مدخل حرم مطهر، پیش از صفویان در محلی که هم اکنون هست قرار داشته ولی در تغییراتی که احتمالاً به فرمان شاه طهماسب اول صورت گرفته، ورودی حرم را به مسجدی که در مشرق قرار داشته منتقل کرده‌اند. به همین جهت امیرنظام‌الدین علیشاه دوم که در زمان شاه عباس دوم و شاه سلیمان متولی آستانه بود، مسجد

دیگری در جنب مسجد قدیمی بنا کرده که محل آن با کشیک خانه و قسمتی از رواق فعلی تطبیق می‌کند و چند باب دکان نیز از مال شخصی خود بر آن وقف کرده است.^{۴۰}

میرنظام‌الدین علی واقف دکاکین جنب مدرسه - از احفاد سیدشرف‌الدین و متولیان قدیمی است. امیرنظام‌الدین که در شجره نامه فرزند امیرمجدالدین معرفی شده تا سال ۱۰۷۹ هـ ق حیات داشته و ساختمان مسجد شمال شرقی حرم که اکنون کشیک خانه و قسمتی از رواق جای آن را گرفته و چند باب دکان بر آن مسجد و احتمالاً آب انبار متولی از آثار خیر اوست.^{۴۱}

آب انبار متولی یکی دیگر از آثار موقوفه عصر صفوی است که احتمالاً آن نیز از آثار خیر میر نظام علی مومی الیه بود. آب انبار بزرگ و معروفی بود که محله تولیت نشین آستانه را به مناسبت آن «محله آب انبار متولی» می‌نامیدند. این آب انبار که در مجاورت خانه‌های متولیان و زعمای آستانه قرار داشت، متاسفانه کاشی‌های سردر آنکه حاوی کلماتی با خط ریزش کرده و از نام بانی و تاریخ بنای آن نام و اثری نیست. این آب انبار دارای سر تخت مدوری بود به ارتفاع یک متر که بادگیر بزرگی بر فراز آن ساخته بودند. و در تابستان‌ها آب آن را خنک نگاه می‌داشت.^{۴۲}

موقوفات شاه عباس اول (۹۹۶ - ۱۰۳۸ هجری قمری)

شاه عباس در اولین سال سلطنت خود که برای سرکوبی عبدالؤمن ازبک، از قزوین به تهران آمده بود تا به خراسان برود؛ در شهری به سختی بیمار شد و مدت ۵۰ روز در بستر افتاد. موقوفات زیادی به او نسبت داده شده از جمله، شش دانگ قریه مردها باد (مردآباد) را که در تاریخ ۱۰۰۵ هـ ق وقف صرف طعام و روشنایی آستانه کرده و تولیت آنرا به شیخ الاسلام و پس از او به فرزندان ذکور او نسلماً بعد نسل سپرده و حق التولیه او را بعد از وضع بذر و مصالح الاملاک و ضروریات زراعت، از قرار عشر مقرر داشته است.^{۴۳}

کاروانسرای معروف به شاه عباسی در ضلع غربی خیابان اصلی شهر، بین دروازه قاجاری و بازار واقع شده بود و کتیبه سنگی بی‌مانندی به خط علیرضا عباسی بر پیشانی آن می‌درخشید و از آن کتیبه ذی‌قیمت هم که متضمن وقفنامه کاروانسرا بود اثری باقی نمانده است.

این کاروانسرا از نوع چهار ایوانه بوده و شامل یک طبقه پیرامون حیاطی هشت وجهی بود. چهار ایوان آن در چهار وجه اصلی آن قرار گرفته بودند و در جوانب ایوان‌ها حجره‌ها قرار دارند و اصطبل‌ها از چهار گوشه حیاط قابل دسترسی بودند.^{۴۴}

وقف ۱۲۰ جلد کتاب که بر پشت اولین صفحه هر یک از آن‌ها وقفنامه‌ای نوشته شده است. این کتاب‌ها وقف بر روضه‌ی امامزاده عبدالعظیم و بر مدرسه آستانه مذکور واقع در بلوک غار (ری) می‌باشد. که طلبه آنجا از آن منتفع شوند، مشروط به آنکه از روضه و مدرسه مذکوره بیرون نبرند و هرکس بیرون برد در خون ابی عبدالله الحسین شریک و سهمیم باشد.^{۴۵}

مستغلات آستانه در زمان صفویان

- قهوه خانه بیرون دروازه به انضمام دکاکین جلو کاروانسرای درب دروازه وزیر دالان بسته به قهوه خانه.

- دکان قصابی واقعه در راسته بازار

- دکان کبابی و حلیمی واقعه در راسته بازار

- دکان بقالی حاج عباسقلی واقعه در دهنه خیابان.

- دکان عطاری واقعه در جنب صحن بزرگ

- دکان کفشدوزی واقعه جنب حمام صحن موقوفه

- دکان خبازی واقعه در راستای بازار

- دکان فنادی واقعه در راسته بازار

- دکان مس‌گری واقعه در مقابل مدرسه عتیق

- حمام واقعه در بازار مشهور به حمام صحن و حمام میدان

- باغ سبزی کاری معروف به علیقلی بیگی واقعه در زاویه مقدسه

- یک شبانه روز آب وقفی مرحوم میرزا ابوالحسن متولی باشی

- یک شبانه روز آب قنات صدری.

نتیجه‌گیری:

در دوره صفویان که اوج پای‌گیری تفکر شیعی در ایران بوده است آغاز رواج‌گیری سنت وقف نیز بود، آن چنان فرهنگ وقف در میان مردم رایج شد که دیگر وقف مختص مالکان بزرگ و ثروتمندان نبود بلکه بیشتر مردم بنا به وضع مالی خود در این امر شرکت می‌کردند. مردم به سبب اعتقاد به دین مبین اسلام با وقف دارایی خود قدم‌های مؤثری برداشتند. موقوفات پیوسته متناسب با نیازهای اجتماعی به وجود آمده‌اند. در مناطق خشک و نیمه خشک احداث آب انبارها و تأمین آب آشامیدنی مردم، در مسیر کاروان‌ها ساخت کارونسرا، در محیط‌های مناسب علمی احداث مدارس و در مناطق نیازمند و بیماری‌زا تأسیس درمانگاه‌ها و بیمارستان‌های موقفه از جمله اقدامات مسلمانان بود. بدین ترتیب واقف با توجه به نیازهای هر زمان عمل می‌کرده است.

به طور کلی نهاد وقف در این دوره بر کلیه اقشار جامعه به نحوی تأثیر می‌گذاشت از سویی اهل تحصیل را وامدار خود ساخته بود.

نهاد وقف سیاست شاهان صفوی را تقویت کرد و بر آن مهر تأیید زد و از سوی دیگر نیز شاهان و دلتمردان صفوی نیز نهاد وقف را استحکام بخشیدند و به آن عظمت دادند. در واقع نهاد وقف جزء لاینفک سیاست مذهبی این خاندان بود سیاستی که دگرگونی‌های فرهنگی - مذهبی بسیاری را برای جامعه به ارمغان آورد.

پادشاهان صفوی و عامه مردم توجه خاصی به امکان مذهبی داشتند و یکی از این مکان‌های مذهبی آستان مقدس حضرت عبدالعظیم (ع) بود و با وقف اموال و املاک خود به نام آن حضرت در شهری سبب شکوفایی و پیشرفت این شهر شدند و امروزه هم توسط موقوفاتی که از آن زمان باقی است همچنان تأثیراتی در زمینه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در شهری دیده می‌شود.

در زمینه اجتماعی از طریق درآمدهای موقوفات ساخت خانه‌های مسکونی، حمام، بیمارستان‌ها و... کمک بسیاری به فضای اجتماعی آن شهر کرده است و هنوز هم این تأثیرات باقوت زیادی در وضعیت اقتصادی و اجتماعی شهری دیده می‌شود.

در زمینه فرهنگی نیز استفاده از درآمدهای وقف برای ساختن مدارس، کتابخانه‌ها، مکتبخانه‌ها، مساجد، حوزه‌های علمیه، خوابگاه‌های دانشجویی و... بسیار مؤثر بوده است.

یادداشت‌ها:

۱. واله اصفهانی ، ۱۲۳.
۲. روملو ، ۴۰۶.
۳. میرزاسمیعا ، ۲.
۴. همان جا.
۵. شاه طهماسب ، ۳.
۶. میرزا سمیعا ، ۲.
۷. کمپفر ، ۱۲۲ ؛ شاردن ، ۱۳۴۱/۴.
۸. کمپفر ، ۱۳۹.
۹. همان جا.
۱۰. قائدان ، ۲۰۸ ؛ کریمان ، ری باستان ، ۴۹۹/۲ ؛ شهابی ، ۷۲.
۱۱. عقیلی ، ۱۵۵.
۱۲. هدایتی ، ۸۸ ؛ کریمان ، ری باستان ، ۵۶۶/۲.
۱۳. مجموعه مقالات کنگره حضرت عبد العظیم (ع) ؛ ۲۹۷ ، عقیلی ؛ ۱۵۸.
۱۴. قائدان ، ۲۰۹ - ۲۰۸ ؛ هدایتی ، ۸۸.
۱۵. هدایتی ، ۸۷ ؛ کریمان ، ری باستان ، ۶۲۱ - ۶۲۰ ؛ شهابی ، ۷۲.
۱۶. عقیلی ، ۱۵۶.
۱۷. همان ، ۱۳۴ ؛ هدایتی ، ۸۸ ؛ مجموعه مقالات حضرت عبد العظیم (ع) ، ۲۹۸ - ۲۹۷.
۱۸. عقیلی ، ۱۵۹ - ۱۵۸.
۱۹. مصاحبه آقایاری ؛ مجموعه مقالات کنگره حضرت عبد العظیم (ع) ، ۲۹۵.
۲۰. هدایتی ، ۸۹.
۲۱. قائدان ، ۲۱۰.
۲۲. کریمان ، ری باستان ، ۵۳۱/۲ و ۴۷۸ ؛ هدایتی ، ۵۸۹.
۲۳. قائدان ، ۲۱۱ ؛ عقیلی ، ۹۰.
۲۴. کریمان ، قصران ، ۵۱۳/۱ و ۴۹۹ ؛ هدایتی ، ۳۲ ؛ کریمان ، ری باستان ، ۵۲۶/۲.
۲۵. کریمان ، قصران ، ۵۰۸/۱.
۲۶. عقیلی ، ۲۱۴.
۲۷. همان ، ۱۵۹.

۲۸. هدایتی ، ۸۹ .
۲۹. عقیلی ، ۱۵۹ .
۳۰. قائدان ، ۲۱۳ ؛ کریمان ، ری باستان ، ۵۱۰/۲ ؛ هدایتی ، ۸۹ .
۳۱. مجموعه مقالات کنگره حضرت عبد العظیم (ع)، ۲۹۸ ؛ عقیلی ، ۱۳۵ .
۳۲. قائدان ، ۲۱۲ ؛ کریمان ، ری باستان ، ۶۴۱/۲ .
۳۳. کریمان ، ری باستان ، ۵۰۰/۲ .
۳۴. عقیلی ، ۱۵۹ .
۳۵. هدایتی ، ۳۳ و ۹۰ .
۳۶. قائدان ، ۲۱۴ .
۳۷. شهابی ، ۷۲ .
۳۸. افشار، ۶۴۵ ؛ عقیلی ، ۱۴۹ .
۳۹. مجموعه مقالات کنگره حضرت عبد العظیم (ع)، ۳۰۱ .
۴۰. عقیلی ، ۱۴۲ .
۴۱. همان ، ۱۶۰ .
۴۲. همان ، ۱۴۴ .
۴۳. قائدان ، ۲۱۵ ؛ مجموعه مقالات کنگره حضرت عبد العظیم حسنی (ع)، ۳۰ .
۴۴. مصاحبه با آقای یاری ؛ عقیلی ، ۱۴۱ ؛ قائدان ، ۲۱۵ .
۴۵. عقیلی ، ۱۴۲ .

منابع و مأخذ:

- ۱- روملو، حسن بیک، احسن التواریخ، تصحیح عبد الحسین نوایی، تهران، بابک، ۱۳۵۷.
 - ۲- شاردن، سفرنامه شاردن، ترجمه اقبال یغمایی، تهران، توس، ۱۳۷۴.
 - ۳- شاه طهماسب، تذکره شاه طهماسب، برلین، کاویانی، ۱۳۴۳.
 - ۴- شهابی، علی اکبر، تاریخچه وقف در اسلام، تهران، ۱۳۴۳.
 - ۵- عقیلی، عبد الله، تاریخ آستانه ری، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۹.
 - ۶- قائدان، اصغر، آستان مقدس حضرت عبد العظیم حسنی (ع)، در گذشته و حال، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۲.
 - ۷- کریمان، حسین، قصران، کوهسران، تهران، انجمن آثار ملی، ۲۵۳۶، جلد ۲.
 - ۸- کریمان، حسین، ری باستان، مذهب و تاریخ و رجال و نواحی ری باستان، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۱.
 - ۹- کمپفر، انگلبرت، سفرنامه کمپفر، ترجمه کیکائوس جهاندار، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۳.
 - ۱۰- مجموعه مقالات کنگره حضرت عبد العظیم حسنی (ع)، جمعی از فضلاء و نویسندگان، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۲.
 - ۱۱- میرزا سمیعا، تذکره الملوک، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۸.
 - ۱۲- واله اصفهانی، محمد یوسف، خلدبرین، به کوشش میر هاشم محدث، تهران، بنیاد موقوفات افشار، ۱۳۷۲.
 - ۱۳- هدایتی، محمد علی، آستانه ری، مجموعه اسناد و فرامین، ۱۳۴۴.
- مقالات
- ۱۵- افشار، ایرج، شهرری، آینده، شماره ۸، سال نهم، ۱۳۶۲.
- مصاحبه
- ۱۶- آقای یاری مدیر محترم اداره موقوفات حضرت عبد العظیم (ع)، شهرری، ۱۳۸۹.

